متولیان دانشگاه‌ها می‌توانند با تشویق جوانان به ازدواج دانشجویی، آمار ازدواج‌های پایدار را در جامعه افزایش دهند/ عکس: خبرگزاری صدا و سیما

رمز و راز پایداری ازدواج‌های دانشجویی چیست؟

زوج‌های جوانی که ازدواج دانشجویی را تجربه کرده‌اند به این پرسش پاسخ می‌دهند

ساده و ماندگار مانند ازدواج دانشجویی

نرگس خانعلی‌زاده
جامعه

آمارها از پایداری ۹۴ درصدی ازدواج‌های دانشجویی در سطح کشور می‌گوید؛ ازدواج‌هایی که اولین تلنگرهای عشق و عاشقی‌اش در دانشگاه و لابه‌لای درس و مشق و کلاس‌های درسی زده می‌شود و خاتمه‌اش هم به ازدواجی می‌رسد که اصطلاحا به آن «ازدواج دانشجویی» می‌گویند. به همین علت به نظر می‌رسد از هر موضوعی که قرار است ساده و بی‌شیله‌پیله باشد، با عنوان دانشجویی یاد می‌شود؛ از غذای دانشجویی تا زندگی دانشجویی. در این میان ازدواج دانشجویی هم از این قاعده مستثنا نیست و تجربه زوج‌های جوانی که این نوع از ازدواج را تجربه کرده‌اند، نشان می‌دهد گذراندن روزهای سخت و آسان در کنار همدیگر است که باعث می‌شود ازدواج‌های دانشجویی، دوام و پایداری بیشتری داشته باشد.

به خودمان افتخار می‌کنیم

«من و همسرم، هردو دانشجوی کارشناسی رشته اتاق عمل در دانشگاه آزاد واحد پزشکی تهران بودیم که با هم آشنا شدیم.» و عضویت در کانون کارشناسان اتاق عمل و فعالیت‌های فرهنگی و هنری همانا و ازدواج مریم عمیدی و همسرش هم همانا: «سال ۹۰ با هم آشنا شدیم و بعد از مدتی، به واسطه هم‌رشته‌ای بودن و حضور در کانون، شناخت خوبی نسبت به هم پیدا کردیم؛ همین شد که دو سال بعد عقد کردیم.» خانم عمیدی از روزهایی می‌گوید که خانواده‌های هر دو طرف در جریان آشنایی آنها در دانشگاه بودند و رابطه‌شان را به صورت کاملا هدفمند پیش می‌بردند: «در آن سال‌ها درباره همه چیز با هم حرف می‌زدیم و به معنای واقعی، با واقعیت‌های همدیگر آشنا شدیم.» اما او از مشغله‌های دوران دانشجویی می‌گوید که باعث به تعویق افتادن مراسم عروسی‌شان و رفتن به خانه خودشان شد؛ اتفاقی که البته به خواست و تصمیم دو نفره خودشان بود: «من مشغول گذراندن طرح در بیمارستان بودم و همسرم هم باید دوره سربازی‌اش را در بیمارستان‌ها می‌گذراند. در رشته‌های پیراپزشکی مرسوم است کسانی که سربازی را نگذرانده‌اند، دو سال خدمت را در بیمارستان فعالیت می‌کنند. برای همین هم شیفت صبح تا عصر برای خدمتش محسوب می‌شد که عملا درآمدی نداشت و از عصر تا شب هم در بیمارستان دیگری کار می‌کرد تا درآمدی داشته باشد.» جریانی که باعث شد عجله‌ای برای شروع زندگی مشترک‌شان نداشته باشند و به همدیگر فرصتی برای به نتیجه رسیدن تلاش‌شان را بدهند.

خانم عمیدی از اولین سال‌های زندگی مشترک دانشجویی می‌گوید؛ سال‌هایی که باید اول تعریف‌تان از سختی و آسانی را مشخص کنید و بعد آن را بسنجید: «در واقع مهم است تعریف‌تان از سختی چه باشد؛ به هر حال ما وام و اقساطی داشتیم که باید پرداخت می‌کردیم و همین باعث شده بود همسرم در دو بیمارستان به کار مشغول باشد. اما از یک زمانی به بعد که اوضاع کمی بهتر شد، یکی از بیمارستان‌ها را حذف کردو ما زمان بیشتری داشتیم تا در کنار هم باشیم.» البته او می‌گوید در تمام آن روزهایی که او دو شیفت، به کار مشغول بود، باز هم ما زندگی خوبی داشتیم و بالاخره جای خالی برای تفریحات دو نفره‌مان باز می‌کردیم.

اما خانم عمیدی در پاسخ به خوب یا بد بودن ازدواج دانشجویی، پاسخ واضح و روشنی دارد: «اگر از من بپرسید، می‌گویم اگر طرف مقابل‌تان را با جان و دل پذیرفته‌اید و به او علاقه دارید، وارد چنین ازدواجی بشوید، در غیر این‌صورت، سختی‌اش بر خوشی‌اش غلبه می‌کند.» او معتقد است در شرایطی که هیچ‌کدام از دو طرف، به درآمد مکفی و جایگاه ثابتی نرسیده‌اند، فقط یک علاقه قلبی و واقعی بین زن و شوهر است که آنها را در کنار همدیگر نگه می‌دارد و حتی سختی‌هایش را برایشان شیرین می‌کند: «آنقدر که حالا مرور خاطرات آن سال‌ها و دو شیفت کار کردن‌هایمان، برایمان یادآور تلاش‌های شیرینی است که برای پا گرفتن این زندگی انجام دادیم و به آن افتخار می‌کنیم.»

اما از نظر خانم عمیدی و همسرش، پایداری ازدواج‌های دانشجویی، نه‌تنها موضوع خیلی عجیبی نیست بلکه بسیار بدیهی است: «من عمیقا معتقدم ازدواج‌های دانشجویی، پیوندهای قرص و محکمی است. شاید چون دو نفر، زمانی همدیگر را می‌بینند و با هم آشنا می‌شوند که جایگاه اجتماعی و به خصوص موقعیت مالی خاصی ندارند؛ چنین اتفاقی به این معناست که شخصیت و منش همدیگر، مهم‌ترین ملاک آنها برای زندگی مشترک است.» به گفته او در این نوع ازدواج‌ها، دختر و پسر، تحت تاثیر موقعیت مالی، اسم و رسم و... قرار نگرفته‌اند: «و خب به نظر من چنین ازدواجی خیلی قشنگ است.»

از سختی به آسانی رسیدیم

شادی حقی، یکی از کسانی است که تجربه ازدواج دانشجویی را داشته‌است؛ ازدواجی که حالا به دهمین سالگردش رسیده‌است: «من و همسرم در مقطع ارشد دانشگاه سوره با همدیگر آشنا شدیم؛ او یک سال از من بالاتر بود ولی برحسب اتفاق، یک واحد مشترک با همدیگر داشتیم که همان یک واحد باعث شناخت بیشترمان از همدیگر و در نهایت ازدواج‌مان شد.» این‌طور که خانم حقی می‌گوید، هردوی آنها از آن دانشجوهای فعال دانشگاه بودند که حضور در فعالیت‌های صنفی دانشجویی هم در شناخت بیشترشان نسبت به همدیگر بی‌تاثیر نبود: «شاید برای همین بود که همسرم خیلی زود سراغ خواستگاری و در جریان قرارگرفتن خانواده‌ها رفت.» و انگار که این همکلاسی بودن، کافی بود آقای داماد که خبرنگار ساده و حق‌التحریری در یکی از روزنامه‌ها بود، تصمیم به ازدواج بگیرد و قید هم‌خانه بودن با دیگر همکلاسی‌هایش در خانه‌ای اجاره‌ای در تهران را بزند و به تشکیل خانواده فکر کند: «ازدواج دانشجویی، ترکیبی از سختی‌ها و شیرینی‌هاست؛ این‌که همدیگر را در محیط دانشگاهی می‌شناسی و با خصوصیات همدیگر آشنا می‌شوی، جزو شیرینی‌هایش است اما طبیعتا معایبی هم دارد که اگر به آنها آگاه باشی، بهتر می‌شود با آن کنار آمد.» و این‌طور که معلوم است، یکی از معایب مشترک ازدواج دانشجویی این است که داماد‌های دانشجو اکثرا به سربازی نرفته‌اند: «همسر من هم از این شرایط مستثنا نبود و در طول زندگی مشترک، مجبور به گذراندن دوره سربازی شد؛ دوره‌ای که هم به علت کمبود حضورش و هم به دلیل مسائل ملی، تحت فشار بودیم اما آن هم گذشت.»

این‌طور که خانم حقی می‌گوید، او و همسرش از دو شهر متفاوت به دانشگاه سوره آمده بودند؛ شاید برای همین است که یکی از چالش‌های ازدواج دانشجویی، فارغ از وضعیت ناپایدار مالی را تفاوت‌های فرهنگی می‌داند: «در بسیاری از مواقع، ازدواج‌های دانشجویی از دو شهر متفاوت با فرهنگ‌های مختلف انجام می‌شود و خب نیاز به هماهنگی دارند تا با هم کنار بیایند.» اما او معتقد است خوبی‌اش این است که در بیشتر مواقع، این چالش‌ها در بین زوج‌های دانشجو به شکل عاقلانه‌ای حل می‌شود: «چرا که آنها دانشجوهایی هستند که به چالش‌های روز جامعه آگاه هستند و بهتر می‌توانند با حرف زدن و گفت‌وگو، مسائل را حل کنند و اصطکاک‌های بین‌شان را کمرنگ کنند.»

شاید از نظر خیلی از آدم‌ها، دغدغه‌های مالی اولین روزها و ماه‌های ازدواج دانشجویی سخت به نظر بیاید اما خانم حقی، بعد از گذشت ۱۰ سال از چنین تجربه‌ای، معتقد است اتفاقا یکی از پررنگ‌ترین مزیت‌های ازدواج و زندگی دانشجویی این است که روی پای خودت می‌ایستی: «ما هم روی پای خودمان ایستادیم و امروز بعد از ۱۰ سال که از ازدواج‌مان می‌گذرد، به وضعیت نسبتا ثابت و معقولی رسیده‌ایم و می‌توانیم اوضاع را خیلی بهتر از سال‌های اول زندگی‌مان را مدیریت کنیم.» حالا او از حال خوش این روزهایشان می‌گوید که وعده خداوند است: «بدون شک، زندگی بالا و پایین زیادی دارد ولی خدا خودش در قرآن وعده داده‌است که اگر زن و مرد، اراده اصلاح زندگی را داشته باشند، خداوند هم آنها را همراهی خواهد کرد و به موفقیت می‌رساند.»

یک ازدواج هیجان‌انگیز

زندگی+

کانون دانشجویی مهدویت سنا هم جایی بوده که معصومه رجبی و همسرش آنجا و در دانشگاه آزاد علوم پزشکی با هم آشنا شدند: «سال ۹۴ من عضو کانون شدم؛ کانونی که همسرم مدتی پیش از من در آنجا فعالیت می‌کرد و این همکاری، باعث شکل‌گیری آشنایی‌مان شد.» آشنایی دو دانشجوی رشته مهندسی پزشکی و زیست‌شناسی سلولی و مولکولی که منجر به ازدواج‌شان در سال ۹۶ شد. این تجربه چهار ساله از ازدواج دانشجویی، خانم رجبی را به این باور رسانده‌است که شناختی که دو طرف، در طی تعامل و رفت و آمد در محیطی امن و اجتماعی از همدیگر پیدا می‌کنند، یکی از بهترین نتایج ازدواج دانشجویی است: «در واقع همکاری ما در کانون مهدویت و تلاش‌مان برای هدف‌های مشترک، باعث شده بود شناخت خوبی نسبت به اعتقادات و طرز فکر همدیگر داشته باشیم؛ مسائلی که به طور مستقیم در زندگی امروز ما تاثیرگذار است.» در واقع خلاصه‌اش این است که به نظر می‌رسد ازدواج دانشجویی، نوعی همفکری برای زن و شوهر به ارمغان می‌آورد که باعث می‌شود فردی ایده‌آل برای زندگی مشترک باشند. «ازدواج دانشجویی خیلی جذاب است.» این را خانم رجبی می‌گوید و ادامه می‌دهد چقدر آن روزها حس و حالی دلنشین داشتند: «نه تنها ما که حتی دوست و همکارهایمان در کانون هم از این‌که من و همسرم قصد ازدواج داشتیم به وجد آمده بودند؛ انگار این نوع ازدواج‌ها، شور و هیجان خاصی دارد که برای همه دلنشین است.» البته با این حال، جذابیت این نوع از ازدواج، دلیل نمی‌شود زندگی بالا و پایین نداشته باشد: «اما خب بالاخره وقتی دو تا دانشجو با هم ازدواج می‌کنند، لازم است بیشتر از دیگران تلاش کنند تا بتوانند از پس مخارج زندگی بربیایند. برای همین سال‌های اول ازدواج، همسرم همزمان با این‌که ارشد می‌خواند، دو جا هم کار می‌کرد تا بتواند زندگی را بگذراند.» زندگی‌ای که همه مخارجش یک طرف بود و شهریه دانشگاه آزادش هم یک طرف دیگر. حالا معصومه رجبی و همسرش، که به قول خودشان، اگر قرار به بازگشت به عقب باشد، باز هم همین انتخاب را می‌کنند، پسری یکساله دارند که گرمای حضورش در خانه را مدیون دانشگاه و کانون مهدویت سنای آن است.

یادداشت:
مهری موسوی
مشاور خانواده

برگ برنده ازدواج دانشجویی

موفقیت و پایداری ازدواج به عوامل مختلفی بستگی دارد. بررسی‌های من در مواجهه با زوج‌هایی که به تازگی ازدواج کرده و با چالش‌های کوچک و بزرگی روبه‌رو شده‌اند، نشان می‌دهد آن دسته از زوج‌هایی که در سن‌های پایین‌تر با هم ازدواج کرده‌اند، از چالش‌های کمتری به نسبت کسانی که در سنین بالا ازدواج کرده‌اند برخوردارند. البته طبیعتا نمی‌شود این موضوع را به طور صددرصد صحیح دانست اما بدون تردید عامل سن در یک ازدواج خوب موثر خواهد بود؛ عاملی که در ازدواج‌های دانشجویی هم تاثیرگذار است.

به نظر می‌رسد اگر آمارها از پایداری بالای ازدواج‌های دانشجویی، به معنای ازدواج دختر و پسر در دوران دانشجویی یا آشنایی‌شان در محیط دانشگاه می‌گوید، یکی از عامل‌های پایداری، سن پایین زوجین است؛ چرا که طبیعتا کسانی که در دوران دانشجویی ازدواج کرده‌اند، سنی کمتر از ۲۷ تا ۲۸ سال دارند.

این جوانان، همچون یک نهال تازه‌شکل‌گرفته هستند که قابلیت انعطاف بالایی دارند. از طرف دیگر اغراق نیست بگوییم افراد در سنین بالا، شبیه درختی تنومند هستند که تغییر موقعیت و انعطاف برایشان سخت و دشوار است. پس شاید انعطافی که در دختران و پسران دانشجوی با سن کمی وجود دارد، باعث کیفیت ازدواج آنها در دوران دانشجویی شده‌است. این افراد، با آغوش باز به استقبال تغییرات می‌روند و توانایی پذیرش اتفاق‌ها و نظرات جدید طرف مقابل را دارند.

برای مثال، زوج‌هایی که در دوران دانشجویی با هم ازدواج می‌کنند، مسائل مختلف زندگی از جمله مسائل مالی را با همدیگر پیش می‌برند و خودشان را با شرایط وفق می‌دهند. آنها می‌دانند در شرایط فعلی، لازم است هردو تلاش کنند؛ ضمن این‌که بهتر است برای دخل و خرج‌شان مدیریتی صحیح داشته‌باشند. در حالی که چه بسیار زوج‌هایی که در ۳۸ تا ۴۰ سالگی و حتی بالاتر با هم ازدواج کرده‌اند و با وجود شرایط مالی بسیار ایده‌آل، اما چالش‌هایی در این‌باره با هم داشته‌اند؛ چرا که هیچ‌کدام از آنها نمی‌توانستند بپذیرند به روندی که در سال‌های گذشته به تنهایی پیش برده‌اند و به نتایج خوبی رسیده‌اند، خدشه‌ای وارد شود. چنین زوج‌هایی به قول معروف من و توی بسیار زیادی به خصوص در مسائل مالی با همدیگر دارند و اصطکاک‌هایی بین‌شان صورت می‌گیرد. به همین علت است که ازدواج دانشجویی، چون در سنین پایین انجام می‌شود، انعطاف‌پذیرتر است و طبیعتا زوجین اصطکاک کمتری با همدیگر دارند.

حق با شماست

info@jamejamOnline.ir
روابط عمومی: ۲۳۰۰۴۴۴۴

#داوطلب-اعتراض
بیرانوند از خرم‌آباد:
من جزو داوطلبان ماده ۲۸ آزمون استخدامی آموزش و پرورش سال ۹۹ هستم. متاسفانه در زمان ثبت‌نام و حین آزمون و پس از آزمون تخلفاتی صورت گرفت به گونه‌ای که پس از مصاحبه پذیرفته نشدم و حتی چند بار هم مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردیم ولی به نتیجه‌ای نرسیدیم. تقاضا دارم که به این موضوع در اسرع وقت رسیدگی شود.

#سرعت‌گیر-صدمه
خزایی از تهران:
سرعت‌گیرهای بلوار کرمان‌خودرو در جاده مخصوص ارتفاع بسیار زیادی دارد و باعث صدمه به خودروها می‌شود. لطفا متولیان برای رفع این مشکل فکری بکنند.

#تقاطع-زین‌الدین
رجبی از تهران:
با ایجاد یک تقاطع در قسمت کندروی بزرگراه شهید زین‌الدین می‌توان بار ترافیکی خیابان هنگام و استقلال را کاهش داد. اما چرا این کار برای رفاه حال ساکنین و عابرین این منطقه تا به حال انجام نشده و فکری هم برایش نمی‌شود؟

#همدان-گردشگر
محمد آزادیان از همدان:
شهر همدان فرصت های زیادی در زمینه گردشگری دارد، اما متولیان شهر آن طور که باید از این فرصت‌ها استفاده نمی‌کنند. به نظر می‌رسد آنها نمی دانند از طریق رونق گردشگری می‌توان بسیاری از جوانان بیکار شهر را صاحب شغل کرد.

جوابیه

در پی درج پیامی در روز شنبه ۱۴۰۰/۰۸/۲۲ با عنوان «ماسک-مترو» مشاور مدیرعامل و مدیر ارتباطات و امور بین‌الملل شرکت بهره‌برداری متروی تهران و حومه با ارسال نمابری اعلام کرد: کارکنان مستقر در ورودی‌های مسافری ایستگاه‌های هفتگانه خطوط مترو همواره به مسافران فاقد ماسک تذکر شفاهی می‌دهند و مانع ورودشان به ایستگاه می‌شوند. استفاده از ماسک هنگام ورود به شبکه مترو و حومه و در قطارها الزامی است و از زمان ابلاغ این موضوع توسط ستاد ملی مقابله با کرونا، شرکت بهره‌برداری متروی تهران و حومه از شهروندان و مسافران درخواست کرده برای حفظ سلامت خود و دیگران حتما از ماسک استفاده کنند و با مدیریت زمان‌بندی سفر از ترددهای غیرضروری در ساعات شلوغ خودداری کنند.